

تعبیر قصه‌های پریان
و
نیما و آنیموس در قصه‌های پریان

ماری - لوئیز فُن فرانتس
ترجمه مهدی سررشته‌داری



فهرست

۷	مقدمه مترجم.....
۱۹	تعبیر قصه‌های پریان.....
۲۱	پیشگفتار.....
۲۵	تنوری‌های مربوط به تعبیر قصه‌های پریان.....
۵۵	قصه‌های پریان، اسطوره‌ها و سایر داستان‌های آرکتایپی.....
۷۱	یک روش برای تعبیر روان‌شناختی.....
۸۱	تعبیر قصه سه پَر.....
۱۰۹	قصه سه پَر - ادامه.....
۱۳۳	قصه سه پَر - پایان.....
۱۵۹	سایه، آنیما و آنیموس - در قصه‌های پریان.....
۱۶۰	شاهپور حلقه.....
۱۸۵	چالش آنیما - شاهدخت افسون‌شده.....
۱۹۴	کلیسای مخفی.....
۱۹۵	هیزم‌شکن.....
۱۹۶	ستاره.....

تئوری‌های مربوط به تعبیر قصه‌های پریان

قصه‌های پریان خالص‌ترین و ساده‌ترین بیان فرآیندهای روان ناخودآگاه جمعی هستند. از این رو ارزش آن‌ها از لحاظ پژوهش در ضمیر ناخودآگاه بیش از سایر دستمایه‌هایی است که در اختیار داریم. قصه‌های پریان آرکتایپ‌ها را در ساده‌ترین، بی‌پوشش‌ترین و دقیق‌ترین شکلشان باز می‌نمایند و صورت‌های خیالی آرکتایپی، در این شکل خاص، بهترین سرخ‌ها را برای درک فرایندهایی که در روان جمعی جریان دارند، در اختیار ما می‌گذارند. اسطوره یا افسانه یا هر نوع دستمایه اسطوره‌ای ساخته و پرداخته‌تر الگوهای پایه‌ای روان انسان را بر زمینه دستمایه‌های فرهنگی در دسترس ما قرار می‌دهند. ولی در قصه‌های پریان 'مضامین فرهنگی آگاهانه و خاص خیلی کمتر به چشم می‌خورد و از این رو قصه‌های پریان الگوهای پایه‌ای روان را به‌طور روشن‌تری منعکس می‌کنند.

مطابق با مفاهیم روان‌شناسی یونگی هر آرکتایپی ذاتاً یک عامل روانی ناشناخته است و از این رو امکان ترجمه محتوای آن به عبارات عقلانی وجود ندارد. بهترین کاری که می‌توان انجام داد این است که آن را در محدوده تجربه روانی خود مورد نظر قرار دهیم و آن را با توجه به مطالعات تطبیقی و بر اساس کل شبکه تداعی‌هایی که صورت‌های خیالی آرکتایپی درگیر آن‌اند، روشن کنیم. یک قصه پریان خود بهترین توضیح آن قصه است؛ یعنی معنای آن در کلیت

موتیف‌هایی که از طریق رشته داستان در آن به یکدیگر پیوند خورده‌اند، نهفته است. اگر به تمثیل سخن بگوییم، ضمیر ناخودآگاه^۱ وضعیت کسی را دارد که یک شهود یا تجربه اصیل داشته و می‌خواهد آن را با دیگران در میان بگذارد. از آنجاکه این شهود یا تجربه^۲ واقعه‌ای است که هرگز به صورت مفهوم درنیامده است، این شخص ابزار بیان آن را در اختیار ندارد. وقتی کسی در چنین موقعیتی باشد، مکرراً کوشش می‌کند تا شهود خود را تشریح کند و سعی می‌کند تا با توسل به حس الهامات یا استعارات آشنا نوعی واکنش در شنوندگان خود ایجاد نماید و تا حس نکرده باشد که شنوندگانش محتوای تجربه او را احساس کرده‌اند، هرگز شهود خود را بیان نمی‌کند. به همین شیوه می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که هر قصه پریان یک نظام نسبتاً بسته است که یک معنای اصلی روان‌شناختی را مطرح می‌کند و این معنا در قالب یک سلسله تصاویر و رویدادهای نمادین بیان می‌شود و در این تصاویر و رویدادها قابل کشف است.

پس از سال‌ها کار در این حوزه به این نتیجه رسیده‌ام که همه قصه‌های پریان کوشش می‌کنند تا یک امر مسلم روان‌شناختی واحد را وصف کنند، ولی این واقعیت چنان پیچیده و دورازدسترس، و فهم همه جنبه‌های آن برای ما چنان مشکل است که صدها قصه و هزارها تکرار این قصه‌ها (مانند آریاسیون‌های یک قطعه موسیقی) لازم است تا این واقعیت ناشناخته وارد آگاهی ما شود؛ و حتی در این صورت هم^۳ همه معانی این مضمون را دریافته‌ایم. یونگ این امر مسلم ناشناخته را خویش می‌نامد که کلیت روان یک فرد و همچنین به شکلی متناقض مرکز تنظیم‌کننده ضمیر ناخودآگاه جمعی است. هر فرد و هر ملتی این واقعیت روانی را به شیوه خاص خود تجربه می‌کند.

قصه‌های مختلف پریان^۴ تصاویر میانگینی را از مراحل مختلف این تجربه ارائه می‌کنند. گاهی بیشتر بر مراحل آغازین آن که با تجربه کردن سایه سروکار دارد، تأکید دارند و از وقایع بعدی فقط طرح کوتاهی ارائه می‌کنند. قصه‌های دیگر بر تجربه کردن آنیما و آئیموس و بر تجربه صورت خیالی پدر یا مادر که در پشت آن‌ها